

رسالة في مواقيت الصلاة

سلسله تالیفات شیخ ابن عثیمین (۴۱)

رساله ای در اوقات نماز

نوشته شیخ علامه

محمد بن صالح العثیمین

غفر الله له ولوالديه وللمسلمین

از انتشارات موسسه خیریه شیخ محمد بن صالح العثیمین

بنام الله بخشاینده مهربان

مقدمه

ستایش از آن الله است، حمد او را می گوئیم و از او یاری
و آمرزش می خواهیم و به درگاهش توبه می کنیم،

و از بدی های نفس خویش، و کارهای ناشایست خود به
الله پناه می بریم، آنکه الله هدایتش کند گمراهگری نخواهد
داشت، و آنکه گمراهش کند هدایتگری نخواهد یافت، و
گواهی می دهم که معبودی به حق نیست جز الله، که یگانه و
بی شریک است، و گواهی می دهم که محمد بنده و پیامبر
اوست و درود و سلام بسیار الله بر او و بر آل و اصحابش و
همه کسانی باد که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی کنند. اما
بعد:

الله تعالی برای بندگان در هر شبانه روز پنج نماز را فرض کرده که دارای وقت است و این بر اساس حکمت اوست؛

تا بنده با این نمازها و در همه این مدت با پروردگار خود در ارتباط باشد، زیرا این نمازها برای دل به منزله آب برای درخت است که باید آن را مدت به مدت آبیاری کرد نه آنکه یک بار به آن آب دهد و سپس رهاش کند.

و از جمله حکمت های پراکنده بودن این نمازها در این اوقات این است که برای بنده ملال آور و سنگین نشود، برخلاف آنکه اگر همه اش را در یک وقت ادا می کرد [و باعث ملال او می شد]، پس خجسته است الله تعالی که حکیم ترین حکیمان است.

این رساله ای است مختصر که در آن درباره اوقات نماز سخن می گوئیم و چند فصل دارد:

فصل نخست: درباره بیان مواقیت.

فصل دوم: درباره بیان وجوب نماز در وقت آن و حکم تقدیم نماز در وقت اول یا تاخیر آن.

فصل سوم: درباره آن مقداری که وقت نماز را با آن درک می کند و آنچه بر این مترتب می گردد.

فصل چهارم: درباره حکم جمع بین دو نماز در وقت یکی از آنها.

ما در این کتاب بر اساس آنچه کتاب و سنت دال بر آن است پیش رفته ایم و هر مسئله را متکی بر دلایل آن آورده ایم تا مؤمن بر اساس بصیرت به پیش رود و بر اطمینان او افزوده شود.

از الله خواهانیم که ما را برای این کار پاداش دهد و در آن برای ما و مسلمان خیر و برکت قرار دهد؛ همانا او بخشنده و گرامی است.

مولف

*

فصل نخست: درباره بیان مواقیت

الله تعالی می فرماید:

{وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ} [النحل: 44].

{و [ما این] قرآن را بر تو نازل کردیم تا برای مردم آنچه را که برایشان نازل شده است روشن سازی و امید است که بیندیشند} [نحل: ۴۴].

و الله تعالی می فرماید:

{وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ} [النحل: 89].

{و قرآن را که روشنگر هر چیزی است و برای مسلمانان
رهنمود و رحمت و بشارتگری است، بر تو نازل کردیم}
[نحل: ۸۹].

بنابراین بندگان به شناخت حکم چیزی در امر دین و
دنیایشان نیازمند نیستند مگر آنکه الله تعالی در کتابش یا پیامبر
صلی الله علیه وسلم در سنتش آن را تبیین کرده اند.

و سنت تبیینگر و مفسر قرآن است و عام آن را تخصیص
و مطلق آن را مقید می گرداند، همچنین بخش هایی از قرآن،
تبیینگر و روشنگر و مفسر بخشهای دیگر است که عام آن را
تخصیص و مطلق آن را مقید می سازد، و هر دوی اینها از
نزد الله تعالی است، چنانکه پیامبر صلی الله علیه وسلم می
فرماید: «أَلَا إِنِّي أُوتِيتُ الْكِتَابَ وَمِثْلَهُ مَعَهُ» رواه أحمد وأبو داود
وسنده صحیح^۱ [۱]. «آگاه باشید که به من کتاب و همانند آن به
همراه آن داده شده است» به روایت احمد و ابوداود و سند آن
صحیح است.^۱

یکی از موارد این قاعده کلی عام، بیان اوقات نمازهای
پنجگانه است که مورد تاکیدترین اعمال فرض بدنی و محبوب
ترین آن به نزد الله عزوجل است. الله تعالی این اوقات را در

۱ به روایت ابوداود در کتاب السنة، باب في لزوم السنة (۴۶۰۴) و همچنین
ترمذی در: أبواب العلم، باب ما نهى عنه أن يقال عند حديث النبي صلى الله
عليه وسلم (۲۶۶۴) و ابن ماجه در: المقدمة، باب تعظيم حديث رسول الله صلى
الله عليه وسلم والتغليظ على من عارضه (۱۲) و احمد (۴/۱۳۰) از حديث
مقدم بن معدی کرب رضی الله عنه.

کتابش و در سنت پیامبرش صلی الله علیه وسلم به شکل کافی و شافی بیان کرده است.

اما در کتاب الله، می فرماید:

{أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ وَقُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا} [الإسراء:78].

{نماز را از زوال خورشید (هنگام ظهر) تا نهایت تاریکی شب (نیمه شب) برپا دار و [به ویژه] نماز صبح را. به راستی که نماز صبح [و تلاوت قرآن در این وقت،] مورد مشاهده [و در حضور فرشتگان روز و شب] است} [اسراء:۷۸].

اینجا الله تعالی پیامبرش صلی الله علیه وسلم را - به همراه امتش - امر نموده تا نماز را برای {زوال خورشید} [اسراء:۷۸] یعنی از هنگام زوالش به هنگام نیم روز تا {غسق اللیل} یعنی شدید شدن تاریکی شب یعنی نیمه شب، برپا بدارند،

سپس تفصیل نموده می فرماید: {و قرآن صبح} یعنی نماز صبح و آن را قرآن نامیده زیرا قرآن خواندن در آن طولانی است.

بنابر این این سخن حق تعالی که {نماز را از زوال خورشید تا نهایت تاریکی شب [نیمه شب] برپا دار} [سوره اسراء:۷۸] وقت چهار نماز را در خود دارد یعنی نماز ظهر و عصر که دو نماز به هنگام روز در نصف پایانی روز

هستند، و مغرب و عشاء که این دو نماز شبانه در نیمه اول شب هستند،

اما وقت نماز فجر را با این سخن توضیح داده که: {و قرآن صبح} [سوره اسراء: ۷۸] و با افزودن آن به فجر که [آغاز] وقت آشکار شدن روشنایی خورشید در افق است، وقت آن [یعنی وقت نماز صبح] تعیین می شود.

و الله تعالی از آنجایی چهار وقت نماز را بدون جدا ساختن آنها و توضیح از هم یکجا آورده چون اوقات آن به یکدیگر متصل است و وقت یک نماز خارج نمی شود مگر آنکه وقت نماز بعدی شروع می شود.

و وقت فجر را برای آن جدا آورده چون وقت آن به نماز قبلی و نماز بعدی متصل نیست زیرا میان نماز صبح و نماز عشاء نیمه دوم شب است و بین آن و وقت نماز ظهر نیمه اول روز است چنانکه ان شاء الله از سنت تبیین می شود.

اما در سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم، در صحیح مسلم از عبدالله بن عمرو بن العاص رضی الله عنهما روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند:

«وقت الظهر إذا زالت الشمس وكان ظل الرجل كطوله ما لم يحضر العصر، ووقت العصر ما لم تصفر الشمس، ووقت صلاة المغرب ما لم يغب الشفق، ووقت صلاة العشاء إلى نصف الليل الأوسط، ووقت صلاة الصبح من طلوع الفجر ما لم تطلع الشمس»، وفي رواية: «ووقت العشاء إلى نصف الليل» [2]، «وقت نماز ظهر از زوال آفتاب آغاز شده و تا هنگامی که

سایه شخص به اندازه خودش شود و وقت نماز عصر فرا نرسد، ادامه پیدا می کند. و وقت نماز عصر تا وقتی است که آفتاب زرد نشده باشد. و وقت نماز مغرب تا زمانی است که شفق (سرخ) پنهان نشده است. و وقت نماز عشا تا نصف میانه شب است. و وقت نماز صبح از طلوع فجر تا قبل از طلوع خورشید است»، و در روایتی دیگر: «و وقت نماز عشا تا نیمه شب است»¹ و آن را مقید به میانه نکرده است.

و نزد وی از ابوموسی اشعری رضی الله عنه روایت است که پرسشگری به نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم آمد و درباره اوقات نماز از او پرسید پس پاسخی به او نداد. راوی می گوید: پس نماز فجر را هنگام مشخص شدن فجر صادق اقامه کرد در حالی که مردم [از شدت تاریکی] همدیگر را نمی شناختند، سپس او را - یعنی بلال را چنانکه نزد نسائی آمده - امر کرد و ظهر را هنگام زوال خورشید اقامه کرد یعنی هنگامی که شخص می گفت روز نصف شده است و او آگاهتر از آنان بود سپس او را امر کرد تا در حالی که خورشید هنوز بالا بود برای عصر اقامه کند سپس او را امر کرد تا برای مغرب هنگام وقوع [غروب خورشید] اقامه کند و در روایت نسائی آمده: هنگامی که خورشید غروب کرد سپس او را امر کرد تا عشا را هنگام غایب شدن شفق [سرخ] اقامه کند سپس نماز فجر فردا را چنان به تاخیر انداخت که شخص می گفت:

1 به روایت مسلم در: کتاب المساجد ومواضع الصلاة، باب أوقات الصلوات الخمس (۶۱۲) از حدیث عبدالله بن عمرو رضی الله عنهما.

خورشید طلوع کرده یا نزدیک است که طلوع کند سپس ظهر را به تاخیر انداخت تا آنکه نزدیک وقت عصر دیروز بود، سپس عصر را به تاخیر انداخت تا آنکه وقت آنقدر گذشت که شخص می گفت: خورشید سرخ شد. سپس مغرب را آنقدر به تاخیر انداخت که نزدیک پایان یافتن شفق سرخ شد، سپس عشاء را به تاخیر انداخت تا یک سوم اول [تمام] شد، سپس هنگام صبح آن پرسشگر را صدا زد و فرمود: «وقت [نمازها] بین این دو است».²¹

پس با این آیه کریمه و سنت نبوی قولی و عملی، اوقات نماز به شکل کافی و شافی به این شکل بیان شده است:

۱- وقت نماز ظهر از زوال خورشید - یعنی گذشتن آن از میانه آسمان به سمت غروب - تا وقتی است که سایه هر چیز به اندازه خودش شود، از آغاز آن سایه ای که زوال خورشید از آن آغاز شده است.

شرح: در هنگام طلوع خورشید سایه هر چیزی طولانی است و این سایه به تدریج کوتاه می شود تا آنکه خورشید شروع به زوال کند و چون زوال آغاز شود (یعنی خورشید به اوج خود برسد و به سمت غروب مایل شود) سایه دوباره شروع به طولانی شدن می کند و وقت نماز ظهر آغاز می

1 به روایت مسلم در: کتاب المساجد ومواضع الصلاة، باب أوقات الصلوات الخمس (۶۱۴) از حدیث ابوموسی رضی الله عنه.

2 به روایت نسائی در: کتاب المواقیت، باب آخر وقت المغرب (۵۲۳) از حدیث ابوموسی رضی الله عنه.

شود. تو باید از آغاز طولانی شدن دوباره سایه آن را اندازه گیری کنی و هر گاه سایه یک چیز به اندازه خود آن شد آن هنگام وقت نماز ظهر به پایان رسیده است.

۲- وقت نماز عصر از وقتی است که سایه هر چیز به اندازه خود آن است تا آنکه خورشید زرد یا سرخ شود.

و وقت ضرورت تا هنگام غروب خورشید ادامه دارد به دلیل حدیث ابوهریره رضی الله عنه که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند:

«من أدرك ركعة من الصبح قبل أن تطلع الشمس فقد أدرك الصبح، ومن أدرك ركعة من العصر قبل أن تغرب الشمس فقد أدرك العصر» ([5]). متفقٌ عليه. «هرکه یک رکعت از [نماز] صبح را پیش از طلوع خورشید درک نماید، [نماز] صبح را درک کرده است و هرکه یک رکعت از [نماز] عصر را پیش از غروب خورشید درک نماید، [نماز] عصر را درک کرده است.» متفق علیه.¹

۳- وقت نماز مغرب از غروب خورشید تا پنهان شدن شفق یعنی سرخی آسمان است.

۴- وقت نماز عشا از پنهان شدن شفق سرخ تا نیمه شب است.

1 به روایت بخاری در: کتاب مواقیب الصلاة، باب من أدرك من الفجر ركعة (۵۷۹) و مسلم در: کتاب المساجد ومواضع الصلاة، باب من أدرك ركعة فقد أدرك تلك الصلاة (۶۰۸) از حدیث ابوهریره رضی الله عنه.

و وقت این نماز تا طلوع فجر نیست؛ زیرا این خلاف ظاهر قرآن و صریح سنت است، آنطور که الله تعالی می فرماید:

{أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ} [الإسراء: 78]،

{نماز را از زوال خورشید (هنگام ظهر) تا نهایت تاریکی شب (نیمه شب) برپا دار} [اسراء: 78]،

و نگفت: تا طلوع فجر. سنت نیز به این تصریح دارد که وقت عشا با نیمه شب به پایان می رساند که در حدیث عبدالله بن عمرو رضی الله عنهما دیدیم.

۵- وقت نماز فجر از طلوع فجر دوم - یعنی سفیدی عرضی در افق شرقی که پس از آن تاریکی نمی آید - تا طلوع خورشید است.

و این اوقات تعیین شده برای مکانی است که در آن در بیست و چهار ساعت شب و روز وجود دارد چه شب و روزش برابر باشد یا یکی بیشتر از دیگری باشد و این تفاوت کم باشد یا بسیار.

اما مکانی که در بیست و چهار ساعت شب و روز ندارد (یا کاملاً شب است یا کاملاً روز) از دو حالت خارج نیست. یا در کل سال به همین شکل است یا در روزهایی اندک.

اگر در روزهایی اندک به این شکل باشد مانند آنکه در طول فصل های سال، شب و روز در یک شبانه روز وجود

دارد اما در برخی از فصل ها گاه یک بیست و چهار ساعت یا بیشتر کاملاً شب می شود یا کاملاً روز، در این حالت:

- یا آنکه به شکل واضح و زنده در افق باشد و بتوان با آن وقت را معین کرد، مانند زیاد شدن نور یا تاریک شدن آن به شکل کامل؛ که در آن صورت، حکم را به همان معلق می سازد.

- و یا اینکه اینگونه نباشد؛ در این صورت اوقات نماز بر اساس آخرین روز [در شریط عادی] پیش از شروع شدن شب طولانی در بیست و چهار ساعت تخمین زده می شود. (یعنی بررسی می شود که در آخرین روزی که شب و روز وجود داشت نمازها در چه ساعتی بوده و بر همان اساس اوقات نماز تخمین زده می شود)

یعنی اگر فرض کنیم که شب پیش از آنکه مستمر شود بیست ساعت بوده و چهار ساعت باقی مانده روز بوده، مقدار شب را در این شب مستمر تنها بیست ساعت در نظر می گیریم و بقیه آن را روز در نظر می گیریم و در این مدت همان نظام پیشین در تعیین اوقات نماز را در پیش می گیریم.

اما اگر جایی باشد که در کل سال در طول بیست و چهار ساعت، روز و شب نداشته باشد برای تعیین نماز اندازه گیری می شود.

لما رواه مسلمٌ من حديث النّوّاس بن سمعان رضي الله عنه أنّ النّبيّ صلى الله عليه وسلم ذكر الدّجّال الذي يكون في آخر الزّمان فسأله عن لبثه في الأرض فقال: «أربعون يومًا؛ يومٌ كسنةٍ، ويومٌ كشهرٍ،

وَيَوْمَ كَجُمُعَةٍ، وَسَائِرَ أَيَّامِهِ كَأَيَّامِكُمْ» قالوا: يا رسول الله، فذلك اليوم الَّذِي كَسَنَةٌ أَتَكْفِينَا فِيهِ صَلَاةَ يَوْمٍ؟ قال: «لا، اقدروا له قدره» [[6]]. به دلیل حدیث نواس بن سمعان رضی الله عنه که وقتی پیامبر صلی الله علیه وسلم درباره دجال آخر الزمان سخن گفتند و درباره مدت ماندن او در زمین از ایشان پرسیدند، فرمودند: «چهل روز، روزی همانند یک سال، و روزی همانند یک ماه، و روزی همانند یک هفته و دیگر روزهایش همانند روزهایتان» گفتند: یا رسول الله، در آن روزی که مانند سال است آیا نماز یک روز برای ما کافی است؟ فرمود: «نه، برای آن اندازه بگیرید»¹.

پیامبر صلی الله علیه وسلم بیان نمودند که در این روز طولانی به یک نماز اکتفا نمی کنند و امر کرد تا برای آن اندازه گیری شود.

حال اگر ثابت شد در مکانی که [در یک بیست و چهار ساعت] شبانه روز ندارد باید اندازه گیری کرد، اوقات نماز را با چه چیزی اندازه می گیرند؟

برخی از علما بر این نظر هستند که اوقات نماز را بر اساس زمان معتدل اندازه می گیرند یعنی شب را دوازده ساعت و روز را نیز دوازده ساعت در نظر می گیریم؛ زیرا از آنجایی که در این مکان خاص امکان در نظر گرفتن اوقات

¹ به روایت مسلم در: کتاب الفتن وأُشْرَاطُ السَّاعَةِ، باب ذکر الدجال وصفته وما معه (۲۹۳۷) از حدیث نواس بن سمعان رضی الله عنه.

نبود، بر اساس مکانی [با شب و روز] متوسط اندازه گیری می شود، مانند زن مستحاضه که عادت خاصی ندارد و [توانایی] تشخیص [زمان حیض از خونی که حیض نیست] را ندارد.

برخی دیگر اما بر این نظر هستند که [ساعات نماز در این سرزمین] بر اساس نزدیکترین سرزمین که در طول سال دارای شب و روز است اندازه گیری می شود، چون وقتی نتوان بر اساس همان محل اندازه گیری کرد، بر اساس نزدیکترین اماکن از نظر شباهت یعنی نزدیکترین سرزمینی که در بیست و چهار ساعت هم شب دارد و هم روز اندازه گیری می شود.

و این قول راجح است زیرا از نظر تعلیل و نزدیکی به واقع قوی تر است، والله اعلم.

*

فصل دوم: درباره بیان وجوب نماز در وقت آن و حکم

تقدیم نماز در وقت اول یا تاخیر آن.

واجب آن است که همه نمازها در وقت مشخص آن ادا شود؛

لِقَوْلِهِ تَعَالَى: {إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا} [النساء: 103]،

به دلیل این سخن الله متعال که می فرماید: {همانا نماز [فريضة اى است كه] در اوقات معيّنې بر مؤمنان واجب شده است} [نساء: ۱۰۳]،

يعنى فرضى است وقت دار؛

ولقوله تعالى: {أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ وَقُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا} [الإسراء: 78]،

و به دلیل این سخن حق تعالى كه: {نماز را از زوال خورشيد (هنگام ظهر) تا نهايت تاريكى شب (نيمه شب) برپا دار و [به ويژه] نماز صبح را. به راستى كه نماز صبح [و تلاوت قرآن در اين وقت،] مورد مشاهده [و در حضور فرشتگان روز و شب] است} [اسراء: 78]، و اين امر براى وجوب است.

و از عبدالله بن عمر رضى الله عنهما روايت است كه پيامبر صلى الله عليه وسلم روزى نماز را ياد كرد و فرمود: «هر كه بر آن محافظت نمايد براى او در روز قيامت نور و برهان و نجات خواهد بود، و آنكه از آن محافظت ننمايد براى او نور و برهان و نجات نخواهد بود و در روز قيامت همراه با قارون و فرعون و هامان و أبى بن خلف خواهد بود».

منذری می گوید: احمد آن را با سندی «جید» روایت کرده است.²¹

پس برای مسلمان جایز نیست که بخشی از نماز یا همه اش را پیش از وارد شدن وقتش بخواند؛ زیرا این از تعدی حدود الله و تمسخر آیات اوست.

اما اگر از روی عذری مانند جهل یا فراموشی یا غفلت چنین کرد گناهی ندارد و اجر کاری که انجام داده را به دست می آورد و واجب است که پس از وارد شدن وقت، آن نماز را به جا بیاورد؛ زیرا فرا رسیدن وقت همان هنگامی که است امر به انجام آن نماز شده است،

ولی اگر پیش از آن انجامش دهد از او پذیرفته نمی شود و از عهده اش برداشته نمی شود؛ لقول النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ عَمِلَ عَمَلًا لَيْسَ عَلَيْهِ أَمْرُنَا فَهُوَ رَدٌّ» أي: مردود، رواه مسلمٌ عن عائشة رضي الله عنها ([9]). به دلیل این سخن پیامبر صلی الله علیه وسلم که: «هر که کاری را انجام دهد که امر ما بر آن نیست، پس آن [کار] مردود است» یعنی پذیرفته نمی شود. به روایت مسلم از عایشه رضی الله عنها.³

1 الترغيب والترهيب (۲۱۷/۱).

2 به روایت احمد (۱۶۹/۲) و دارمی در سنن (۲۷۶۳) از حدیث عبدالله بن عمرو رضی الله عنهما.

3 به روایت مسلم در: کتاب الأقضية، باب نقض الأحكام الباطلة ورد محدثات الأمور (۱۷۱۸) از حدیث عایشه رضی الله عنهما و بخاری آن را به شکل معلق در: کتاب البیوع، باب النجش ومن قال: «لا يجوز ذلك البيع» آورده است.

و برای مسلمان جایز نیست که نماز را از وقتش به تاخیر اندازد زیرا این از جمله تعدی به حدود الله تعالی و استهزای آیات اوست، بنابراین اگر این را بدون عذر انجام دهد گناهکار است و نمازش مردود است و پذیرفته نمی شود و عهده اش پاک نمی شود؛ به دلیل حدیث پیشین عایشه رضی الله عنها، و باید به درگاه الله توبه کند و کارش را در آینده اصلاح کند.

و اگر نمازش را به دلیل عذری مانند خواب یا فراموشی یا مشغولیتی که گمان می کرد تاخیر نماز از وقتش را برایش مباح می سازد به تاخیر انداخت، هر گاه این عذر از بین رفت آن را به جا می آورد؛

لحدیث أنس ابن مالک رضي الله عنه أن النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قال: «من نسي صلاةً فليصلها إذا ذكرها لا كفارة لها إلا ذلك»، وفي رواية: «من نسي صلاةً أو نام عنها...» [10]. متفق عليه. به دلیل حدیث انس ابن مالک رضی الله عنه که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «کسی که نمازی را فراموش کرد هرگاه به یادش آمد ادایش کند و کفاره ای جز این ندارد»، و در روایتی دیگر: «کسی که نمازی را فراموش کرد یا از آن به خواب افتاد...». متفق علیه.¹

¹ به روایت بخاری در: کتاب مواقیت الصلاة، باب من نسی صلاة فليصل إذا ذكر (۵۹۷)، و مسلم در: کتاب المساجد ومواضع الصلاة، باب قضاء الصلاة الفائتة (۶۸۴) از حدیث انس رضی الله عنه.

و اگر چند نماز از او فوت شده باشد همه را به ترتیب از هنگام از بین رفتن عذرش به جا می آورد و آن را تا وقت آن در روزهای بعد به تاخیر نمی اندازد؛

لحدیث جابر بن عبدالله رضی الله عنهما «أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي غَزْوَةِ الْخَنْدَقِ تَوَضَّأَ بَعْدَ غُرُوبِ الشَّمْسِ فَصَلَّى الْعَصْرَ ثُمَّ صَلَّى بَعْدَهَا الْمَغْرِبَ» ([11]). متفقٌ عليه. به دلیل حدیث جابر رضی الله عنه که «رسول الله صلی الله علیه وسلم در غزوة خندق پس از غروب خورشید وضو ساخت و نماز عصر را به جا آورد و سپس نماز مغرب را ادا کرد». متفق علیه.¹

و از ابوسعید خدری رضی الله عنه روایت است که گفت: «در روز خندق از نماز باز داشته شدیم تا آنکه پس از مغرب کمی از شب گذشت... گفت: پس رسول الله صلی الله علیه وسلم بلال را فرا خواند و ظهر را اقامه کرد و آن را به جا آورد و نیک به جایش آورد انگار آن را در وقتش ادا می کرد سپس او را امر کرد و عصر را اقامه کرد و آن را به نیکویی ادا کرد چنانکه آن را در وقتش ادا می کند، سپس او را امر کرد و مغرب را اقامه کرد و به همان صورت ادایش کرد». به روایت احمد.²

1 به روایت بخاری در: کتاب مواقیت الصلاة، باب من صلی بالناس جماعة...، (۵۹۶)، و مسلم در: کتاب المساجد ومواضع الصلاة، باب الدلیل لمن قال: الصلاة الوسطی...، (۶۳۱) از حدیث جابر رضی الله عنه.
2 به روایت احمد (۴۹، ۲۵/۳).

در این حدیث دلیلی است بر اینکه نمازی که فوت شده همانطور ادا می شود که در وقتش ادا می شود،

و یؤیده حدیث اَبی قتادة رضي الله عنه في قصة نومهم مع النبي صلى الله عليه وسلم في سفرٍ عن صلاة الفجر حتى طلعت الشمس قال: ثم أذن بلالٌ بالصلاة فصلى رسول الله صلى الله عليه وسلم ركعتين ثم صلى الغداة فصنع كما كان يصنع كل يومٍ.. [[13]] الحديث. رواه مسلم. حدیث ابوقتاده رضی الله عنه در تایید همین است، وی داستان به خواب افتادن آنان با پیامبر صلی الله علیه وسلم از نماز صبح را در یک سفر روایت کرده است تا جایی که خورشید طلوع کرد. او می گوید: سپس بلال برای نماز اذان گفت و رسول الله صلی الله علیه وسلم دو رکعت به جا آورد و سپس نماز صبح را ادا کرد و چنان انجام داد که هر روز انجام می داد... تا پایان حدیث. به روایت مسلم.¹

بر این اساس اگر نماز قضا شده شب را در هنگام روز ادا کرد در آن با صدای بلند قرائت می کند و اگر در هنگام شب، نماز قضا شده روز را ادا کرد در آن با صدای پایین قرائت می کند چنانکه حدیث ابوقتاده دال بر مورد نخست است و حدیث ابوسعید دال بر مورد دوم.

و اگر به سبب عذری نمازهای قضا شده را بدون ترتیب ادا کرد اشکالی ندارد و اگر ندانست که نماز قضا شده ای دارد

1 به روایت مسلم در: کتاب المساجد ومواضع الصلاة، باب قضاء الصلاة الفائتة (۶۸۱) از حدیث ابوقتاده رضی الله عنه.

و نماز بعدی را ادا کرد و سپس دانست که نمازی نخوانده دارد
آن را ادا می کند و نماز بعدش را تکرار نمی کند،

و اگر نماز قضا شده را فراموش کرد و نماز بعدی را ادا
کرد و سپس نماز قضا شده را به یاد آورد آن را ادا می کند و
نماز بعدی را اعاده نمی کند؛

لَقَوْلِهِ تَعَالَى: { رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا } [البقرة: 286].

به دلیل این فرموده حق تعالی: {پروردگارا، اگر فراموش
یا خطا کردیم، ما را بازخواست نکن} [بقره: ۲۸۶].

علما می گویند: و اگر نمازی فوت شده بر عهده اش باشد
یا در هنگام خارج شدن وقت نماز حاضر به یادش آمد اول
نماز حاضر را ادا می کند و سپس نماز از دست رفته را به
جا می آورد تا وقت نماز حاضر را از دست ندهد و در نتیجه
دو نماز از دستش نرود.

و بهتر آن است که نماز را در اول وقتش زودتر ادا کند؛
زیرا این فعل پیامبر صلی الله علیه وسلم است و این سبقت در
انجام خیر است و باعث می شود وظیفه او زودتر ادا شود.

در صحیح بخاری از ابوبَرزَه اسلمی رضی الله عنه نقل
شده که از او پرسیده شد که پیامبر صلی الله علیه وسلم چگونه
نماز فرض را ادا می کرد؟ گفت: ایشان نماز ظهر را که شما
آن را نماز نخست می نامید هنگام زوال خورشید ادا می کرد
و نماز عصر را ادا می کرد سپس یکی از ما به خانه اش که

در دورترین جای مدینه بود برمی گشت در حالی که خورشید
همچنان سرزنده بود.²¹

و نزد وی در روایت انس آمده است: «پیامبر صلی الله
علیه وسلم نماز عصر را در حالی ادا می کردند که خورشید
بلند و زنده بود پس شخص به عوالی (روستاهای اطراف
مدینه) می رفت و به آنجا می رسید در حالی که خورشید
همچنان بلند بود و برخی از این روستاها چهار میل یا همین
حدود از مدینه دور بودند»،³

وفي رواية: «كُنَّا نَصَلِّي العصر ثم يذهب الذاهب منا إلى قباء
فيأتيهم والشمس مرتفعة. ونسيت ما قال في المغرب» ([17]). و
در روایتی دیگر آمده که: «ما نماز عصر را می خواندیم سپس
شخصی از ما به قبا می رفت و در حالی به آنجا می رسید که

1 به روایت بخاری در: کتاب مواقیات الصلاة، باب وقت العصر (۵۴۷) و
مسلم در: کتاب المساجد ومواضع الصلاة، باب استحباب التبكير بالصبح في
أول وقتها وهو التغليس وبيان قدر القراءة فيها (۶۴۷) از حدیث ابو بزره رضی
الله عنه.

2 به روایت بخاری در: کتاب مواقیات الصلاة، باب وقت الظهر عند الزوال
(۵۴۱) از حدیث ابو بزره رضی الله عنه.

3 به روایت بخاری در: کتاب مواقیات الصلاة، باب وقت العصر (۵۵۰) و
مسلم در: کتاب المساجد ومواضع الصلاة (۶۲۱) از حدیث انس رضی الله
عنه.

خورشید همچنان بلند بود اما آنچه دربارهٔ مغرب گفت را فراموش کرده ام»¹.

اما مسلم به روایت از سلمة بن اکوع آورده که پیامبر صلی الله علیه وسلم مغرب را هنگامی ادا می کرد که خورشید غروب می کرد و از چشمان پنهان می شد،²

ومن حدیث رافع ابن خدیج: کُنَّا نَصَلِّي الْمَغْرِبَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَيَنْصَرِفُ أَحَدُنَا وَإِنَّهُ لَيَبْصُرُ مَوَاقِعَ نَبْلِهِ ([19]). و از حدیث رافع ابن خدیج که می گوید: نماز مغرب را همراه رسول الله صلی الله علیه وسلم می خواندیم و بر می گشتیم. [باز هم هوا به اندازه ای روشن بود] که اگر تیری را پرتاب می کردیم، جای افتادن آن را می دیدیم.³ و تاخیر نماز عشاء که آن را «عتمه» می نامیدند مستحب می دانست و خوابیدن قبل از آن و سخن گفتن پس از آن را بد می دانست و در حالی

1 به روایت بخاری در: کتاب مواقیات الصلاة، باب وقت العصر (۵۵۱) و مسلم در: کتاب المساجد ومواضع الصلاة (۶۲۱) از حدیث انس رضی الله عنه.

2 به روایت بخاری در: کتاب مواقیات الصلاة، باب وقت المغرب (۵۶۱) و مسلم در: کتاب المساجد ومواضع الصلاة، باب وقت المغرب (۶۳۶) از حدیث سلمة بن اکوع رضی الله عنه.

3 به روایت بخاری در: کتاب مواقیات الصلاة، باب وقت المغرب (۵۵۹) و مسلم: کتاب المساجد ومواضع الصلاة، باب بیان أن وقت المغرب عند غروب الشمس (۶۳۷) از حدیث رافع بن خدیج رضی الله عنه.

نماز صبح را به پایان می‌رساند که شخص، هم نشینش را می‌شناخت و [در نماز صبح] شصت تا صد آیه می‌خواند.¹

و نزد آنان از جابر رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم نماز عشاء را گاهی زود و گاهی دیر می‌خواند؛ یعنی اگر می‌دید مردم جمع شده اند زود می‌خواند و اگر می‌دید که مردم دیر آمده اند، دیر، و نماز صبح را هنگامی که هوا هنوز تاریک بود، می‌خواند.²

و در صحیح بخاری از عایشه رضی الله عنها روایت است که فرمود: زنان مؤمن همراه با رسول الله صلی الله علیه وسلم با پوشش کامل در نماز شرکت می‌کردند چنانکه خود را در چادرهای شان می‌پیچیدند. و هنگامی که به خانه های شان برمی‌گشتند، به دلیل تاریکی هوا هیچکس آنان را نمی‌شناخت.³

1 به روایت بخاری در: کتاب مواقیت الصلاة، باب وقت الظهر عند الزوال (۵۴۱) و مسلم در: کتاب المساجد ومواضع الصلاة، باب استحباب التبکیر بالصبح فی أول وقتها وهو التغلیس وبيان قدر القراءة فيها (۶۴۷) از حدیث ابوبرزه رضی الله عنه.

2 به روایت بخاری در: کتاب مواقیت الصلاة، باب وقت المغرب (۵۶۰) و مسلم در: کتاب المساجد ومواضع الصلاة، باب استحباب التبکیر بالصبح فی أول وقتها وهو التغلیس وبيان قدر القراءة فيها (۶۴۶) از حدیث جابر رضی الله عنه.

3 به روایت بخاری در: کتاب الأذان، باب خروج النساء إلى المساجد باللیل والغسل (۸۶۷) و مسلم در: کتاب المساجد ومواضع الصلاة، باب استحباب التبکیر بالصبح فی أول وقتها وهو التغلیس وبيان قدر القراءة فيها (۶۴۵) از حدیث عایشه رضی الله عنها.

و در صحیح مسلم از عبدالله بن عمر رضی الله عنهما روایت شده که گفت: شبی برای نماز عشاء منتظر رسول الله صلی الله علیه وسلم ماندیم پس چون یک سوم شب گذشت یا پس از آن به نزد ما آمد ... و سپس حدیث را بیان کرد که در آن آمده است:

«ولولا أن يثقل على أمتي لصليت بهم هذه الساعة» «اگر بر اتم سنگین نمی شد برای آنها در همین وقت نماز [عشاء را] می گزاردم» سپس مؤذن را امر کرد که اقامه کند و نماز را برگزار کرد.¹

و در صحیح بخاری از ابوذر غفاری رضی الله عنه روایت است که گفت: ما در سفری همراه پیامبر صلی الله علیه وسلم بودیم پس مؤذن خواست که برای ظهر اذان بگوید اما پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «بگذار خنک تر شود» سپس [مدتی بعد] خواست که اذان بگوید، پس فرمود: «بگذار خنک تر شود» تا آنکه سایه تپه ها را دیدیم.

وفي رواية: حتى ساوى الظل التلول ([24]). و در روایتی دیگر: تا آنکه سایه [تپه ها] به اندازه تپه ها شد.² فقال النبي صلی الله

1 به روایت بخاری در: کتاب مواقیات الصلاة، باب النوم قبل العشاء لمن غلب (۵۷۰) و مسلم در: کتاب المساجد ومواضع الصلاة، باب العشاء وتأخیرها (۶۳۹) و این لفظ مسلم است، از ابن عمر رضی الله عنهما.

2 به روایت بخاری در: کتاب الأذان، باب الأذان للمسافر إذا كانوا جماعة والإقامة وكذلك بعرفة وجمع وقول المؤذن: الصلاة في الرحال في الليلة الباردة أو المطيرة (۶۲۹) از ابوذر رضی الله عنه.

عليه وسلم: «إِنَّ شدة الحرِّ من فيح جهنّم، فإذا اشتد الحر فأبردوا بالصلاة» [25]. پس پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «همانا شدت گرما از داغی و فوران جهنم است، پس چون گرما شدت گرفت نماز را هنگامی که خنک تر شد برگزار کنید»¹.

این احادیث دال بر این است که سنت آن است که در همان آغاز وقت برای ادای نماز مبادرت کرد به جز دو نماز: نخست: نماز ظهر در شدت گرما که تا خنک تر شدن هوا و بلند شدن سایه به تاخیر می افتد.

دوم: نماز عشا که تا بعد از یک سوم اول شب به تاخیر انداخته می شود مگر آنکه باعث مشقت مردم شود که در این صورت حال نمازگزاران رعایت می شود، یعنی اگر دید جمع شده اند نماز را زودتر ادا می کند و اگر دید دیر کرده اند آن را به تاخیر می اندازد.

*

1 به روایت بخاری در: کتاب مواقیات الصلاة، باب الإبراد في شدة الحر (۵۳۵) و مسلم در: کتاب المساجد ومواضع الصلاة، باب استحباب الإبراد بالظهر في شدة الحر لمن يمضي إلى جماعة، ویناله الحر في طريقة (۶۱۶) از حدیث ابوذر رضی الله عنه.

فصل سوم: درباره آن مقداری که وقت نماز را با آن درک می‌کند و آنچه بر این مترتب می‌گردد

با رسیدن شخص به یک رکعت در وقت نماز، آن وقت درک می‌شود، یعنی اگر شخص به اندازه یک رکعت از وقت نماز را به دست آورد آن نماز را از دست نداده است؛ به دلیل حدیث ابوهریره رضی الله عنه که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود:

«من أدرك ركعةً من الصلّة فقد أدرك الصلّة» ([26]) [متفقٌ علیه]. «هرکه یک رکعت از نمازی را درک کند، نماز را درک کرده است» متفق علیه.¹

و در روایتی دیگر: «کسی که از [نماز] صبح یک رکعت را پیش از طلوع خورشید درک کند، صبح را درک کرده است و کسی که از [نماز] عصر، یک رکعت را پیش از غروب خورشید درک کند، عصر را درک کرده است» و در روایتی از بخاری: «اگر کسی از شما سجده ای از نماز عصر را پیش از غروب خورشید درک کرد نماز را کامل کند و اگر سجده

1 به روایت بخاری در: کتاب مواقیات الصلاة، باب من أدرك من الصلاة ركعة (۵۸۰) و مسلم در: کتاب المساجد ومواضع الصلاة، باب من أدرك ركعة فقد أدرك تلك الصلاة (۶۰۷) از حدیث ابوهریره رضی الله عنه.

را از نماز صبح پیش از طلوع خورشید درک کرد نمازش را کامل کند».²¹

لفظ صریح این روایات دال بر این است که هر کس یک رکعت از نماز را با دو سجده اش به دست آورد وقت نماز را به دست آورده و مفهوم این روایات دال بر این است که هر کس کمتر از یک رکعت را درک کند، وقت نماز را به دست نیاورده است.

بر این ادراک (به دست آوردن)، دو مسئله مترتب می شود:

یکی اینکه: اگر یک رکعت از نماز را در وقتش به دست آورد همه آن نماز ادا به شمار می آید ولی معنای این حرف این نیست که تاخیر قسمتی از نماز از وقتش جایز باشد؛

زیرا واجب آن است که همه نماز در وقتش ادا شود، (یعنی نباید به عمد نماز را به تاخیر اندازد تا قسمتی از آن خارج از وقت ادا شود) وفي صحيح مسلم عن أنس بن مالك رضي الله عنه قال: سمعت النبي صلى الله عليه وسلم يقول: «تلك صلاة المنافق يجلس يرقب الشمس حتى إذا كانت بين قرني شيطان قام فنقرها أربعا، لا يذكر الله فيها إلا قليلا» [29]. و در صحيح مسلم از

1 به روایت بخاری در: کتاب مواقيت الصلاة، باب من أدرك ركعة من العصر قبل الغروب (۵۵۶) از حدیث ابوهریره رضی الله عنه.

2 به روایت بخاری در: کتاب مواقيت الصلاة، باب من أدرك من الفجر ركعة (۵۷۹) و مسلم در: کتاب المساجد ومواضع الصلاة، باب من أدرك ركعة فقد أدرك ركعة من الصبح (۶۰۸) از حدیث ابوهریره رضی الله عنه.

انس بن مالک رضی الله عنه روایت شده که گفت: از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیدم که می فرمود: «آن نماز منافق است که نشسته خورشید را می نگرد، تا آنکه خورشید بین دو شاخ شیطان قرار گرفت برمی خیزد و چهار [رکعت را] نوک می زند و الله را در آن یاد نمی کند مگر اندکی»¹.

امر دوم: اگر به مقدار یک رکعت از وقت نماز را به دست آورد [آن نماز] بر او واجب می شود، چه از اول وقتش باشد و چه از آخر آن.

مثال اول وقت: اینکه زنی به اندازه وقت خواندن یک رکعت یا بیشتر پس از غروب خورشید حیض شود و مغرب را ادا نکند، نماز مغرب بر او واجب شده و باید پس از پاک شدن، قضای آن را به جا بیاورد.

مثال آخر وقت: اینکه زنی به اندازه وقت یک رکعت یا بیشتر پیش از طلوع خورشید از حیضش پاک شود. نماز صبح بر او واجب می شود و مانند آن اگر به اندازه یک رکعت قبل از غروب خورشید پاک شود، نماز عصر بر او واجب می شود.

و اگر در مدت زمانی کمتر از خواندن یک رکعت بعد از غروب خورشید حیض شد یا در مدتی کمتر از یک رکعت قبل از طلوع خورشید پاک شد، در مثال نخست نماز مغرب بر او واجب نمی شود و در مثال دوم نماز صبح برای او

¹ به روایت مسلم در: کتاب المساجد ومواضع الصلاة، باب استحباب التبکیر بالعصر (۶۲۲) از حدیث انس رضی الله عنه.

واجب نمی شود؛ زیرا وقتی که در هر دو مورد درک کرده کمتر از مقدار یک رکعت بوده است.

*

فصل چهارم: درباره حکم جمع بین دو نماز در وقت یکی از آنها

در فصل دوم گفتیم که واجب است هر نماز در وقت مشخص خودش ادا شود و این اصل است، اما اگر حالات و شرایطی رخ دهد که نیازمند جمع بین دو نماز بود، جمع مباح می شود و بلکه این کار به نزد پروردگار متعال مطلوب و محبوب است زیرا با این قاعده اسلامی که الله تعالی به آن اشاره کرده همخوانی دارد:

{يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ} [البقرة: 185]، وقوله: {هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ} [الحج: 78]،

{الله برای شما خواهان آسانی است و برایتان دشواری نمی خواهد} [بقره: ۱۸۵]،

و این سخن حق تعالی که می فرماید: {در دین برای شما هیچ سختی و مشقتی قرار داده نشده است} [حج: ۷۸]،

وفي صحيح البخاري عن أبي هريرة رضي الله عنه أن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «إِنَّ الدِّينَ يَسْرٌ وَلَنْ يَشَادَّ الدِّينَ أَحَدٌ إِلَّا غَلِبَهُ، فَسَدِّدُوا وَقَارِبُوا وَأَبْشِرُوا» [30]، و در صحيح بخاری از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده که پیامبر صلی الله علیه

وسلم فرمودند: «همانا دین آسان است و کسی دین را سخت نمی گیرد مگر آنکه بر او غالب می شود [و خسته و درمانده می شود]، پس راه راست و درست و میانه را در پیش بگیرید و [به درست کاری و میانه روی خوشحال باشد و] بشارت دهید»¹ وفي الصحيحين عن أبي موسى أنّ النبيّ صلى الله عليه وسلم قال حين بعثه ومعاذًا إلى اليمن: «يسرا ولا تعسّرا، وبشرا ولا تنفّرا، وتطوعا ولا تختلفا» ([31])، و در صحيحين ابو موسی اشعری روایت شده که پیامبر صلی الله علیه وسلم هنگامی که او و معاذ را به یمن می فرستاد خطاب به آنان فرمود: «آسان بگیرید و سخت نگیرید و بشارت دهید و متنفر نسازید و با هم دوستی و همکاری کنید و دچار اختلاف نشوید»² وفي رواية لمسلم عن أبي موسى رضي الله عنه قال: كان النبيّ صلى الله عليه وسلم إذا بعث أحدًا من أصحابه في بعض أمره قال: «بشّروا ولا تنفّروا، ويسّروا ولا تعسّروا» ([32])، و در روایتی نزد مسلم آمده که ابو موسی رضی الله عنه فرمود: پیامبر صلی الله علیه وسلم هرگاه کسی از اصحابشان را برای کاری می فرستاد می فرمود: «بشارت دهید و متنفر نسازید و

1 به روایت بخاری در: کتاب الإیمان، باب الدین یسر (۳۹) از حدیث ابوهریره رضی الله عنه.

2 به روایت بخاری در: کتاب الأدب، باب قول النبيّ صلى الله عليه وسلم: «يسروا ولا تعسروا» (۶۱۲۴) و مسلم در: کتاب الجهاد والسير، باب فی الأمر بالتيسير وترك التنفير (۱۷۳۳) از ابو موسی رضی الله عنه.

آسان بگیرد و سخت نگیرد»¹ و فیهما عن انس -رضی الله تعالی عنه- أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «يَسْرُوا وَلَا تَعْسَرُوا وَبَشِّرُوا وَلَا تَنْفَرُوا»، و نزد این دو (بخاری و مسلم) از انس رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «آسان بگیرد و دشوار مگیرد و بشارت دهد و متنفر نسازد»، و فی روایة: «سكنوا ولا تنفروا» [[33]]. و در روایتی دیگر: «[به مردم] آرامش دهید و [آنان را] برآشفته نسازید»².

با بیان این اصل، در سنت، جمع بین دو نماز ظهر و عصر، و دو نماز مغرب و عشا در وقت یکی از آنها آمده و این در چند موضع آمده است:

نخست: در سفر، چه در حال حرکت یا در حال توقف، چنانکه در صحیح بخاری از انس بن مالک رضی الله عنه روایت است که گفت: «پیامبر صلی الله علیه وسلم در سفر بین نمازهای مغرب و عشاء جمع می کرد»³.

¹ به روایت مسلم در: کتاب الجهاد والسير، باب فی الأمر بالتيسير وترك التنفير (۱۷۳۲) از ابو موسی رضی الله عنه.

² به روایت بخاری در: کتاب العلم، باب ما كان النبي صلى الله عليه وسلم: يتخلولهم بالموعدة (۶۹) و مسلم در: کتاب الجهاد والسير، باب فی الأمر بالتيسير وترك التنفير (۱۷۳۴) از انس رضی الله عنه.

³ به روایت بخاری در: کتاب التقصير، باب الجمع فی السفر بین المغرب والعشاء (۱۱۰۸).

وفي صحيح مسلم عنه قال: «كان النبي صلى الله عليه وسلم إذا أراد أن يجمع بين الصلاتين في السفر أخر الظهر حتى يدخل أول وقت العصر، ثم يجمع بينهما» [35]، و در صحيح مسلم از او روایت شده که فرمود: «پیامبر صلی الله علیه وسلم هرگاه می خواست در سفر بین دو نماز جمع کند ظهر را به تاخیر می انداخت تا اول وقت عصر فرا رسد سپس آن دو را یکجا ادا می کرد»¹، وفيه أيضًا عن ابن عباس رضي الله عنهما أن النبي صلى الله عليه وسلم جمع بين الصلاتين في سفره سافرها في غزوة تبوك، فجمع بين الظهر والعصر، وبين المغرب والعشاء» [36]، و همچنین نزد مسلم از ابن عباس رضی الله عنهما روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم در سفرشان در غزوه تبوک بین دو نماز را جمع کردند پس نماز ظهر و عصر را یکجا و نماز مغرب و عشاء را یکجا به جا آوردند»²، وفيه عن معاذ بن جبل رضي الله عنه قال: «خرجنا مع رسول الله صلى الله عليه وسلم في غزوة تبوك فكان يصلي الظهر والعصر جميعاً، والمغرب والعشاء جميعاً» [37]. و نزد وی از معاذ بن جبل رضی الله عنه آمده که گفت: «همراه با رسول الله صلی الله علیه وسلم در غزوة تبوک خارج شدیم پس ایشان نماز

1 به روایت مسلم در: کتاب صلاة المسافرين، باب جواز الجمع بين الصلاتين في السفر (٧٠٤) از انس رضي الله عنه.

2 به روایت مسلم در: کتاب صلاة المسافرين، باب الجمع بين الصلاتين في الحضر (٧٠٥) از ابن عباس رضي الله عنهما.

ظهر و عصر را با هم، و نماز مغرب و عشا را با هم ادا می کردند»^۱.

و در صحیح بخاری از ابوجحفه رضی الله عنه روایت است که ایشان در ابطح مکه به هنگام ظهر به نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم آمدند پس بلال برای اذان بیرون آمد و سپس داخل شد و آنگاه بیرون آمد و اضافه آب وضوی رسول الله صلی الله علیه وسلم را با خود آورد و پس مردم خود را بر آن انداختند و از آن برداشتند سپس وارد شد و نیزه را [که به عنوان ستره نماز از آن استفاده می شد] آورد و پیامبر صلی الله علیه وسلم نیز از خیمه ای چرمی که در آن بودند خارج شدند گویا اکنون دارم به سفیدی ساق پای ایشان می نگرم، پس نیزه را در زمین فرو برد و سپس ظهر را دو رکعت و عصر را دو رکعت به جا آورد.^۲

ظاهر این حدیث چنین است که ایشان میان دو نماز جمع می بستند در حالی که ایشان توقف کرده بودند [در سفر منزل گرفته بودند] پس این بیان کننده جواز است یا آنکه نیازی به جمع بوده است،

زیرا پیامبر صلی الله علیه وسلم در حشاش هنگامی که در منی توقف کرده بودند جمع نکردند و بر این اساس می گوییم:

۱ به روایت مسلم در: کتاب صلاة المسافرين، باب الجمع بین الصلاتین فی الحضر (۷۰۶) از معاذ رضی الله عنه.

۲ به روایت بخاری در: کتاب المناقب، باب صفة النبی صلی الله علیه وسلم (۳۵۶۶) و مسلم در: کتاب الصلاة، باب ستره المصلی (۵۰۳) از ابوجحیفه رضی الله عنه.

برای مسافری که منزل گرفته و جایی توقف کرده بهتر آن است که جمع نکند و اگر جمع کرد اشکالی ندارد مگر آنکه به سبب خستگی اش و نیاز به استراحت یا دشواری به دست آوردن آب برای هر وقت و مانند این مسائل نیازمند جمع بستن بین نمازها باشد که در این صورت جمع بستن و استفاده از رخصت برایش بهتر است.

اما مسافری که در حال حرکت است برای او بهتر است که ظهر و عصر را با هم و مغرب و عشاء را با هم بخواند، به همان شکلی که برایش بهتر باشد، یا به صورت جمع تقدیم که نماز دوم را در وقت نماز اول بخواند و یا به صورت جمع تاخیر که نماز اول را به وقت دوم موکل کند،

ففي الصحيحين عن أنس بن مالك رضي الله عنه قال: «كان رسول الله صلى الله عليه وسلم إذا ارتحل قبل أن تزيغ الشمس (أي: تزول) آخر الظهر إلى وقت العصر، ثم نزل فجمع بينهما، فإن زاغت الشمس قبل أن يرتحل صلى الظهر ثم ركب» [[39]]. زیرا در صحیحین از انس بن مالک رضی الله عنه روایت است که گفت: «رسول الله صلى الله عليه وسلم هرگاه پیش از زوال آفتاب به راه می افتادند نماز ظهر را تا وقت عصر به تاخیر می انداختند سپس توقف کرده و هر دو را با هم ادا می کردند و اگر پیش از به راه افتادن خورشید مائل می شد [و وقت

ظهر می شد] نماز ظهر را ادا می کردند و سپس به راه می
افتادند»¹.

و در «فتح الباری» آمده که اسحاق بن راهویه این حدیث
را از شبابه روایت کرد و گفت: «وی هرگاه در حال سفر بود
و خورشید مائل می شد نماز ظهر و عصر را با هم می خواند و
سپس به راه می افتاد. گفت: از این روایت به دلیل آنکه تنها
اسحاق آن را از شبابه روایت کرده ایراد گرفته اند، و همچنین
برای آنکه تنها جعفر فریابی آن را از اسحاق نقل کرده است.
[ابن حجر] می گوید: اما این ایراد وارد نیست، زیرا این دو،
امام و حافظ هستند»².

موضع دوم: هنگام نیاز به جمع به طوری که ترک آن
باعث حرج و مشقت شود، چه در حال اقامت و چه در حال
سفر؛

لما رواه مسلم عن ابن عباس رضي الله عنهما «أنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ
عليه وسلم جمع بين الظُّهر والعصر والمغرب والعشاء بالمدينة في
غير خوفٍ ولا مطرٍ فقيل: لم فعل ذلك؟ فقال: كي لا يحرج
أُمَّتَهُ»^[41]، به دلیل حدیثی که مسلم از ابن عباس رضی الله
عنهما روایت کرده که گفت: پیامبر صلی الله علیه وسلم میان
ظهر و عصر و میان مغرب و عشاء در مدینه جمع بستند

¹ به روایت بخاری در: کتاب تقصیر الصلاة، باب ما يؤخر الظهر إلى العصر
إذا ارتحل (۱۱۱) و مسلم در: کتاب صلاة المسافرين، باب جواز الجمع بين
الصلاتين في السفر (۷۰۴) از حدیث انس رضی الله عنه.
² فتح الباری (۵۸۳/۲).

بدون آنکه ترس یا باران در میان باشد. گفته شد: چرا چنین کردند؟ گفت: تا امتش در حرج و دشواری نیافتند،¹ و روی عن معاذ بن جبل رضی الله عنه قال: جمع رسول الله صلى الله عليه وسلم في غزوة تبوك بين الظهر والعصر، وبين المغرب والعشاء. فقيل: ما حمله على ذلك؟ قال: أراد أن لا يخرج أمته ([42]). و از معاذ بن جبل رضی الله عنه روایت است که گفت: رسول الله صلى الله عليه وسلم در غزوة تبوك ظهر و عصر را یکجا کردند و مغرب و عشاء را یکجا ادا نمودند، پس گفته شد: چه باعث شد که چنین کنند؟ گفت: خواستند که امتشان به زحمت نیافتند.²

این دو حدیث دلیل است بر اینکه هر گاه نیاز به جمع بین دو نماز بود و ترک آن باعث حرج و مشقت بود، این کار جایز است چه در حال اقامت باشد و چه در حال سفر.

شیخ الاسلام ابن تیمیه رحمه الله می گوید:

«همه احادیث دال بر این است که ایشان برای رفع سختی از امتش [دو نماز را] در یک وقت یکجا کرده اند پس هر گاه ترک جمع باعث حرج و دشواری و سختی ای شود که الله از امتش برداشته، جمع نمازها مباح می شود، و این دال بر اولی بودن و شایسته تر بودن جمع نماز برای بیماری است که

1 به روایت مسلم در: کتاب صلاة المسافرين، باب الجمع بین الصلاتین فی الحضر (۷۰۵) از ابن عباس رضی الله عنهما.

2 به روایت مسلم در: کتاب صلاة المسافرين، باب الجمع بین الصلاتین فی الحضر (۷۰۶) از معاذ رضی الله عنه.

متفرق خواندن نمازها باعث سختی دیدن او می شود و همینطور کسی که نمی تواند طهارتش را در هر دو وقت به شکل کامل نگه دارد مگر به سختی، مانند زن مستحاضه و امثال این حالات»¹.

و در «الإنصاف» از وی - یعنی شیخ الاسلام ابن تیمیه - جایز بودن جمع برای حصول جماعت نقل شده یعنی در صورتی که اگر در وقت نماز بگزارد جماعت حاصل نمی شود.²

می گویم: و دلیل آن از حدیث ابن عباس واضح است چنانکه دال بر جایز بودن جمع برای باران است و این نبود مگر برای حصول جماعت و جمع شدن مردم، زیرا برای هر یک به تنهایی ممکن بود که نماز را در وقتش به صورت منفرد ادا کنند و بدون جمع کردن نمازها از مشقت باران هم رهایی یابند.

موضع سوم: جمع در عرفه و مزدلفه در ایام حج،

ففي صحيح مسلم من حديث جابر رضي الله عنه في صفة حجّ النبي صلى الله عليه وسلم قال: «فأجاز رسول الله صلى الله عليه وسلم حتّى أتى عرفة، فوجد القبة قد ضربت له بنمرة، فنزل بها حتّى إذا زاغت الشمس أمر بالقصواء فرحلت له، فأتى بطن الوادي فخطب الناس. قال: ثم أدّن ثم أقام فصلى الظهر ثم أقام، فصلى العصر، ولم يصل بينهما شيئاً» ([45]). زیرا در صحيح مسلم

¹ مجموع الفتاوى (۸۴/۲۴).

² الإنصاف (۹۸/۵).

از جابر رضی الله عنه دربارهٔ روش حج پیامبر صلی الله علیه وسلم آمده که: «پیامبر صلی الله علیه وسلم از آنجا گذشت تا به عرفه رسید پس دید که برای او در نمره خیمه ای زده اند، پس در آنجا پیاده شد تا آنکه خورشید مائل گردید، سپس امر کرد که شترش قصواء را برایش آماده کنند، پس به وسط وادی آمد و برای مردم خطبه خواند. راوی می گوید: سپس اذان داده شد سپس اقامه شد و ظهر را ادا کرد، سپس اقامه کردند و عصر را ادا کرد و بین آنها چیزی نخواند»¹.

و در صحیحین از اسامه بن زید که از عرفه تا مزدله همراه پیامبر صلی الله علیه وسلم بوده روایت شده که گفت: پس در دره پیاده شد و قضای حاجت کرد و سپس وضو گرفت اما وضوی فراگیر نساخت، پس به ایشان گفت: [وقت] نماز است، فرمود: «نماز پیش رویت است» پس سوار شد و هنگامی که به مزدلفه رسید پیاده شد و وضو ساخت و وضوی فراگیر نمود و سپس نماز اقامه شد پس مغرب را به جا آورد، سپس هر کس شترش را در مزدلفه بست آنگاه برای نماز عشا اقامه شد و آن را ادا نمود و بین آن دو نمازی دیگر نخواند.²

1 به روایت مسلم در: کتاب الحج، باب حجة النبی صلی الله علیه وسلم (۱۲۱۸) از جابر رضی الله عنه.

2 به روایت بخاری در: کتاب الوضوء، باب إسباغ الوضوء (۱۳۹) و مسلم در: کتاب الحج، باب الإفاضة من عرفات إلى المزدلفة واستحباب صلاتی المغرب والعشاء جميعا بالمزدلفة فی هذه الليلة (۱۲۸۰) از اسامه بن زید رضی الله عنه.

و در حدیث جابر که مسلم روایت کرده آمده که ایشان در مزدلفه نماز مغرب و عشاء را با یک اذان و دو اقامه برگزار نمودند.¹

در این دو حدیث آمده که پیامبر صلی الله علیه وسلم در عرفه نمازهای ظهر و عصر را با هم به صورت جمع تقدیم [یعنی در وقت نماز اول] و در مزدلفه نمازهای مغرب و عشاء را به صورت جمع تاخیر [در وقت نماز دوم] ادا کردند و این دو را برای آن به صورت جدا ذکر کردیم که علما درباره علت جمع بین این دو نماز اختلاف کرده اند. برخی گفته اند برای سفر بوده اما این رای جای بحث دارد؛

زیرا پیامبر صلی الله علیه وسلم در منی پیش از عرفه جمع نکردند و نه هنگام بازگشت از آنجا. و برخی گفته اند علت آن مناسک بوده است. این نیز جای بحث دارد زیرا اگر چنین بود پیامبر صلی الله علیه وسلم از هنگام احرام باید نمازها را جمع می کردند، و برخی نیز گفته اند برای مصلحت و نیاز چنین کرده که این به صحت نزدیکتر است، یعنی جمع در عرفه برای این مصلحت بوده که مدت وقوف و دعا در آنجا طولانی است و همچنین مردم در آن موقف پراکنده می شوند و اگر برای نماز جمع شوند برایشان دشوار خواهد شد و اگر به صورت جدا از هم و متفرق نماز بخوانند مصلحت کثرت جماعت از دست می رود.

1 نگاه: دو حدیث پیشین.

و در مزدلفه نیز به جمع بستن نمازها نیازمند هستند زیرا مردم پس از غروب از عرفه خارج می شوند و اگر برای نماز مغرب آنجا نگه داشته شوند آن را بدون خشوع ادا می کنند و اگر در راه برای نماز بایستند این دشوارتر است، پس فراخور نیاز است که مغرب به تاخیر انداخته شود تا با عشاء در مزدلفه یکجا خوانده شود.

و این عین صواب و مصلحت است که این نمازها جمع شود تا هم خشوع در نماز حفظ شود و هم شرایط مردم مراعات شود.

پس پاک و منزّه است آن پروردگار حکیم و مهربان و از الله متعال خواهانیم که برای ما از سوی خودش رحمت و حکمتی ببخشد، همانا او بخشنده است.

و ستایش از آن الله پروردگار عالمیان است که با نعمت او هر عمل نیکی به سرانجام می رسد و درود و سلام الله بر پیامبر ما محمد که بهترین آفریدگان است و بر آل و اصحابش و کسانی باد که همواره به نیکی از آنان پیروی کنند.

به قلم بنده نیازمند الله تعالی

محمد بن صالح العثیمین

در تاریخ ۱۵/۳/۱۴۰۰ هجری قمری

*

فهرست

2	رساله ای در اوقات نماز
2	مقدمه
4	فصل نخست: درباره بیان مواقیت
	فصل دوم: درباره بیان وجوب نماز در وقت آن و حکم تقدیم نماز در
14	وقت اول یا تاخیر آن
	فصل سوم: درباره آن مقداری که وقت نماز را با آن درک می کند و
26	آنچه بر این مترتب می گردد
29	فصل چهارم: درباره حکم جمع بین دو نماز در وقت یکی از آنها ..